



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

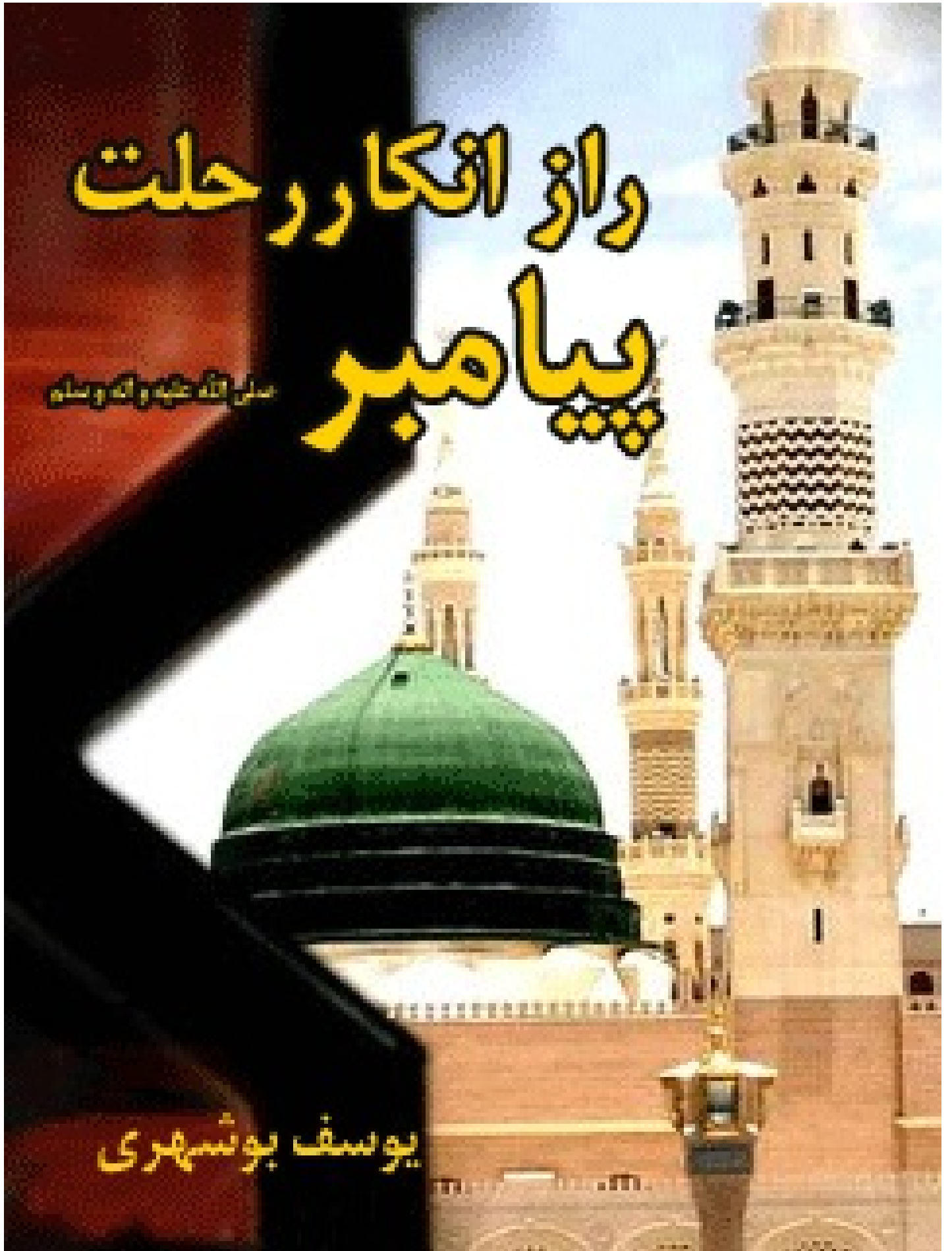
www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

راز انکار و حلت

سلسلہ آئینہ نظریہ و فکر و مسائل

پیامبر

یوسف پوشہری



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

راز انکار رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

نویسنده:

یوسف بوشهری

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	راز انکار رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه
۸	انکار رحلت رسول خدا
۱۰	انگیزه انکار رحلت
۱۳	درباره مرکز

نوع: مقاله

پدیدآور: بوشهری، یوسف

عنوان و شرح مسئولیت: راز انکار رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله [منبع الکترونیکی] / یوسف بوشهری

توصیف ظاهری: ۱ متن الکترونیکی: بایگانی HTML؛ داده های الکترونیکی (۴ بایگانی: ۲۴.۳KB)

موضوع: محمد (ص)، پیامبر اسلام

تاریخ اسلام

مقدمه

رسول اکرم (ص) در آخرین سفر حج (در عرفه)، در مکه، در غدیر خم، در مدینه قبل از بیماری و بعد از آن در جمع یاران یا در ضمن سخنرانی عمومی، با صراحت و بدون هیچ ابهام، از رحلت خود خبر داد. چنان که قرآن رهروان رسول خدا (ص) را آگاه ساخته بود که پیامبر هم در نیاز به خوراک و پوشاک و ازدواج و وقوع بیماری و پیری مانند دیگر افراد بشر است و همانند آنان خواهد مرد. در حجه الوداع در هنگام رمی جمرات فرمود: مناسک خود را از من فراگیرید، شاید بعد از امسال دیگر به حج نیایم. هرگز مرا دیگر در این جایگاه نخواهید دید. هنگام بازگشت نیز در اجتماع بزرگ حاجیان فرمود: نزدیک است فراخوانده شوم و دعوت حق را اجابت نمایم. عبدالله بن مسعود گوید: پیامبر اکرم (ص) یک ماه قبل از رحلت، ما را از وفات خود آگاه نمود... عرض کردیم: ای رسول خدا! رحلت شما در چه موقع خواهد بود؟ فرمود: فراق نزدیک شده و بازگشت به سوی خداوند است. زمانی نیز فرمود: نزدیک است فراخوانده شوم و دعوت حق را اجابت نمایم و من دو چیز گران در میان شما می گذارم و می روم: کتاب خدا و عترتم، اهل بیت... و خداوند لطیف و آگاه به من خبر داد که این دو هرگز از یکدیگر جدا نشوند تا کنار حوض کوثر بر من وارد شوند. پس خوب بیندیشید چگونه با آن دو رفتار خواهید نمود. روزی به آن حضرت خبر دادند که مردم از وقوع مرگ شما اندوهگین و نگرانند. پیامبر در حالی که

به فضل بن عباس و علی بن ابی طالب(ع) تکیه داده بود به سوی مسجد رهسپار گردید و پس از درود و سپاس پروردگار، فرمود: به من خبر داده اند شما از مرگ پیامبر خود درهراس هستید. آیا پیش از من، پیامبری بوده است که جاودان باشد؟! آگاه باشید، من به رحمت پروردگار خود خواهم پیوست و شما نیز به رحمت پروردگار خود ملحق خواهید شد.... در فرصتی دیگر مردم را به رعایت حقوق انصار سفارش و در خطاب به انصار فرمود: ای گروه انصار، زمان فراق و هجران نزدیک است، من دعوت شده و دعوت را پذیرفته ام... بدانید دو چیز است که از نظر من بین آن دو هیچ تفاوتی نیست. اگر بین آن دو مقایسه شود به اندازه تارمویی بین آن دو فرقی نمی گذارم. هر کس یکی را ترک کند مثل این است که آن دیگری را هم ترک کرده است... آن دو کتاب آسمانی و اهل بیت رسالت هستند... سفارش مرا در مورد اهل بیت من رعایت کنید... (نیز فرمود: آیا شما را به چیزی راهنمایی نکنم که اگر بدان چنگ زنید، پس از آن هرگز به ضلالت نیفتید؟ گفتند: بلی، ای رسول خدا. فرمود: آن(چیز) علی است. با دوستی من دوستش بدارید و به احترام و بزرگداشت من، او را محترم و بزرگ بدارید. آنچه گفتم جبرئیل از طرف خداوند به من دستور داده بود. ابن حجر هیثمی گوید: پیامبر اکرم(ص) در بیماری خود که به رحلتش انجامید، فرمود: مرگ من به همین زودی فرا می رسد و من سخن خود را به شمارساندم و راه بهانه و عذر را بر شما بستم. آگاه باشید، من کتاب پروردگارم و اهل بیت خود را در میان شما می گذارم و می روم. (سپس دست علی را گرفت و بالا برد و فرمود: این شخص علی بن ابی طالب است که

همراه با قرآن است و قرآن با علی است و از یکدیگر جدا نشوند تا روز قیامت که با من ملاقات نمایند. در روز دوشنبه آخرین روز از زندگی رسول اکرم (ص) آن بزرگوار در مسجد پس از انجام نماز صبح فرمود: ای مردم! آتش فتنه ها شعله ور گردیده و فتنه ها همچون پاره های امواج تاریک شب روی آورده است. رسول خدا (ص) در حالی جان سپرد که سر در دامن علی بن ابی طالب (ع) داشت. علی (ع) شیون کنان، رحلت پیامبر (ص) را به اطرافیان خبر داد. در این زمان ابوبکر به محل سکونت خود در «سنح رفته بود و عایشه به دنبال وی فرستاد تا بی درنگ به شهر آید.

انکار رحلت رسول خدا

چون خبر وفات پیامبر (ص) زمزمه شد، عمر به نهیب فریاد برآورد: هرگز چنین نیست. این بعضی از منافقانند که می پندارند پیامبر مرده است! مردم بدانید، به خدا سوگند، رسول خدا نمرده است بلکه به سوی پروردگار خود رفته، به همان گونه که موسی به سوی پروردگار خود رفت، او چهل روز از پیروان خود غایب بود و پس از این که گفته شد او مرده است به نزد ایشان باز گشت. به خدا سوگند، رسول خدا باز می گردد و دست و پای کسانی را که گمان برده اند او مرده است، قطع خواهد کرد. او بی وقفه مردم را بیم می داد و در هراس و تردید می گذارد و آن کلمات را به قدری تکرار کرد که دهانش کف نمود. می گفت: هر کس بگوید او مرده است با این شمشیر سرش را از تن جدا خواهم کرد. خداوند تا وعده هایش را به دست او عملی نسازد، وی را نزد خود نمی برد. در آن هنگامه از خانواده حضرت کسی تردید در رحلت رسول گرامی (ص) نداشت و از همین رو جز عباس، شنیده نشد که کسی با عمر سخن گفته و به او توجهی کرده باشد. جز این که

برخی چون آشوب آفرینی عمر را دیدند، گفتند: او چه می گوید!! از وی پرسیدمگر رسول خدا(ص) در این باره به تو چیزی فرموده که این گونه سراسیمه و آشفته سخن می گویی! و او در پاسخ گفت: نه، اصلاً. موضوع رحلت برای خاندان پیامبر و مردم چنان قطعی و بدیهی بود که این ام مکتوم نابینا نیز که جسد مطهر رسول خدا(ص) را نمی دید همانند عباس در اعتراض به عمر گفت: تو از خود چه می گویی؟! مگر قرآن نیست که می فرماید: (و ما محمد الا رسول قد خلت من قبله الرسل افان مات او قتل انقلبتم علی اعقابکم و من یقلب علی عقبیه فلن یضر الله شیئا و سیجزی الله الشاکرین محمد جز فرستاده ای که پیش از او هم پیامبرانی (آمده و) گذشتند، نیست. آیا اگر او بمیرد یا کشته شود از عقیده خود (به شیوه جاهلیت) برمی گردید! هر کس از عقیده خود باز گردد هرگز هیچ زیانی به خدا نمی رساند و به زودی خداوند سپاسگزاران را پاداش می دهد. عباس می افزود: تردید نیست که رسول خدا(ص) مرده است. بیاید او را دفن کنیم. (با فرض قطعی که وی مرده است). آیا خداوند شما را یک بار طعم مرگ می چشاند و رسولش را دوبار! او بزرگوارتر از آن است که دوبار بمیرد. بیاید او را دفن کنیم. اگر راست باشد که او نمرده بر خداوند دشوار نیست که خاک را از روی او به یک سوزند و.... با این حال، عمر بدون کمترین توجه به اعتراض آنان، بر نظر خود پافشاری می کرد تا آن که چند ساعتی بعد ابوبکر از محل سکونت خود در سنج رسید. و چون چشم به جسد مطهر پیامبر(ص) دوخت، همان آیه را که پیشتر دیگران خوانده بودند خواند و عمر را به سکوت فراخواند و او نیز ساکت بر زمین نشست و گفت: گویا این آیه را پیش از

این نشیده بودم. آیا این از قرآن است؟!

انگیزه انکار رحلت

محققان و مورخان اهل تسنن بر پایه اعتراف عمر انگیزه او رازینه سازی برای رسیدن ابوبکر به مدینه یاد کرده اند. ابن ابی الحدید می نویسد: عمر با این اقدام می خواست فرصتی برای رسیدن ابوبکر به محل فراهم آورده باشد زیرا او در فردای سقیفه قبل از سخنرانی ابوبکر در مسجد، ضمن عذرخواهی از اظهارات روز گذشته در انکار وفات پیامبر(ص)، گفت: وقتی فهمیدم رسول خدا(ص) از دنیا رفته است، ترسیدم برسر زمامداری، جنجال و آشوب به پا شود و انصار و دیگران، زمامداری را به دست گیرند یا از اسلام برگردند. در حقیقت اظهارات عمر، به منظور حفاظت از دین و دولت بود. (!) تا ابوبکر برسد... چنین دروغ مصلحت آمیز در هر آیینی مشروع می باشد. او مردم را در مورد مرگ حضرت تا حدی به شک انداخت و آن ها را از فکر در مورد اوضاع بعد از پیغمبر(ص) و حوادثی که انتظار وقوع آن می رود، غافل نمود. عمر هر چند برای اندیشیدن و چاره جویی به منظور توفیق در تصمیم خود فرصت نداشت، طرح وی جوانب فراوانی را در برداشت: ۱- طرح او برای مردم دوستدار پیامبر امیدوار کننده بود. آن ها آرزو می کردند این سخن راست در آید و رهبر خود را بدین زودی از دست ندهند. ۲- آن طرح با خود شاهی از قرآن داشت و نوید می داد که محمد خاتم(ص) نیز چون موسی به ملاقات خدا شتافته و به زودی بازمی گردد. ۳- بر پایه آن ادعا چون پیامبر زنده است نیازی به کوشش برای تعیین جانشین او نیست. ۴- فرد معتقد به مرگ پیامبر، منافق است و اقدام به بیعت با جانشین او علامت نفاق و تلاش برای ایجاد اختلاف میان مسلمانان است. ۵- با آن که به مرگ پیامبر اعتقاد یابد و با کسی به عنوان جانشین پیامبر بیعت کند باید دست

و پایش را قطع کرد. ۶- این که عمر تا پیش از ورود ابوبکر به سخن هیچ کس توجه نکرد و چون ابوبکر رسید و جمله ای می گوید و عمر آرام می گیرد؛ زیرا که نقش ابوبکر را بزرگ می نمایاند. این واقعه حتی اگر صحنه سازی از پیش طراحی شده نبود، تا همین جا می توانست مردم را به نقش ابوبکر در رهبری جامعه مسلمانان و آرام ساختن اوضاع متوجه سازد. بسی جای تعجب و تاسف است که برخی نویسندگان غیر شیعه، گاه در دفاع و توجیه واکنش عمر می نویسند: این رفتار عمر از شدت علاقه اش به پیامبر و به موجب دهشت زدگی او از رحلت حضرت بود! حال آنکه عمر خود در فردای آن روز در حضور مردم در مسجد پیرامون رفتار دیروزش مطالبی گفته است که هیچ این توجیه و جانبداری را تایید نمی کند. ابن ابی الحدید عذرخواهی عمر را چنین نقل کرده است: وقتی فهمیدم رسول خدا (ص) از دنیا رفته است، ترسیدم بر سر زمامداری، جنجال و آشوبی به پا شود و انصار و دیگران، زمامداری را به دست گیرند یا از اسلام بازگردند. افزون بر این، باید پرسید: ۱- اگر رفتار او از دهشت وی از مرگ پیامبر (ص) بود، می بایست پس از اعلام قطعی ابوبکر، بر دهشت وی افزوده می شد نه این که آرام گیرد و بر زمین نشیند! ۲- پس از اطلاع چرا در مراسم عزاداری و تغسیل و تشییع پیامبر شرکت نجست و بی درنگ به سقیفه شتافت؟ ۳- چرا جز او چنین هراسان و دهشت زده نشد؟ آیا اندوه وی از دختر گرامی پیامبر بیشتر بود؟ چرا ابوبکر که خشونت و قساوت قلب او را نداشت دچار چنین حالی نشد؟ ۴- آیا آن رفتار نیز از علاقه به پیامبر بود که در حال حیات حضرت به وی نسبت هدیایان و بیهوده گویی داد و به دیگران نیز

نهیّب زد که گوش به حرف او ندهید، درک و حواس درستی ندارد که چه می گوید؟! ۵- چرا شبهه وفات نکردن پیامبر تنها برای عمر بن خطاب پیش آمد؟ او از کجا و به کدام آیه و روایت چنین حدس زد که رسول خدا(ص) نمرده است و چون موسی به میقات رفته و به زودی بازمی گردد و دست و پا قطع می کند؟! ۶- هنگامی که اسامه برای تأخیر در حرکت سپاه خود عذر می آورد که نخواستم از مسافران حال تو را جويا شوم، خوب بود عمر می گفت: این بیتابی چرا؟! خداوند بر شما منت نهاده است که تا وعده هایش محقق نشود، پیامبر(ص) از دنیا نخواهد رفت. این که عمر خود عذر می آورد که در این روزهای حساس نباید پیامبر را بدین حال تنها گذاشت دلیل آن است که آن ها همه می دانستند که به زودی رسول خدا(ص) رحلت خواهد کرد. ۷- چرا او پیش از تحقیق و اطمینان، این گونه جنجال برانگیخت؟! ۸- چه حکمت داشت که تنها با تأیید ابوبکر آرام گرفت نه با سخن دیگران؟ «آیاتی که ابوبکر خواند، نباید سبب شود که او تغییر عقیده دهد، زیرا مفاد آیات جز این نیست که پیامبر(ص) نیز به سان مردم می میرد، در صورتی که خلیفه منکر امکان مرگ او نبود بلکه می گفت: هنوز وقت مرگ وی فرا نرسیده است، زیرا هنوز کارهایی ناتمام مانده و رسالتهایی انجام نگرفته است.» به اعتراف ابن ابی الحدید آن جنجال همه بهانه اتلاف وقت برای رسیدن ابوبکر بود و جز این، علتی نداشت.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

